

مجید رضائیان استاد دانشگاه و پژوهشگر ژورنالیسم:

رها شدن انرژی‌هایی که حق مسلم ماست

برخی از کاربران فضای مجازی و کارشناسان به صحبت‌های مسعود پزشکیان اشاره کرده و سوال پرسیدند که «مگر رئیس‌جمهوری در رسانه‌ها بابت این ناترازی‌ها عذرخواهی نکرده و قول نداد که ظرف یک‌سال این مشکلات حل می‌شود؟» وعده‌های مسئولان همیشه باعث شده که رسانه‌های منتشرکننده در مظان اتهام قرار گیرند و شاید همین امر باعث شده که رسانه‌های داخلی کمتر از اقبال عمومی برخوردار باشند و رسانه‌ها را به نوعی ایزاری برای شعاردادن مسئولان می‌دانند. در این میان مرجع رسانه‌ای به تدریج به خارج از کشور انتقال می‌یابد. مجید رضائیان استاد دانشگاه و پژوهشگر ژورنالیسم در گفت‌وگو با هم‌میهن این موضوع را بررسی و تأکید کرد: «اساساً در تمام دنیا نمی‌دانند فرق کشورداری و سیاستگذاری چیست؟ اینکه شما یک نگاهی به حاکمیتی دارید و نگاه دیگر اجرا می‌شود و قوه مجریه و دولت است. می‌گوییم کانون‌های تصمیم‌ساز و کانون‌های تصمیم‌گیر. در کانون‌های تصمیم‌ساز سیاست‌ها بسته شده‌اند و قوه مجریه باید آن را اجرا کند. بنابراین باید حرف‌ها، عملکردها و تبیین‌ها در چهارچوب سیاست‌ها باشد و هر چقدر بین آنها فاصله وجود داشته باشد دو لطمه: «ارتباطی» و «رسانه‌ای» پدید می‌آید. منظور از لطمه ارتباطی این است که سرمایه اجتماعی یا همان نرخ مشارکت از بین می‌رود. یعنی نرخ مشارکت، اعتماد یا سرمایه اجتماعی کاهش می‌یابد. حتی اگر جامعه یک سیاست را قبول داشته باشد، اجرا نشدن آن، باعث از بین رفتن اعتماد می‌شود و لطمه ارتباطی به جامعه می‌زند.»

او در ادامه با اشاره به لطمه رسانه، افزود: «البته این ایراد به رسانه‌ها است که باید به این فاصله بین اجرا و سیاست‌ها نقد کنند و از مسئولان بپرسند که چرا خلاف سیاست حرف می‌زنند؟ رسانه نباید بی‌توجه باشد بلکه باید کنش داشته باشد. فاصله بین اجرا و سیاست‌ها باعث



جایگاه حقوقی توافق احتمالی در عمان



ابراهیم ایوبی
وکیل دادگستری

سرانجام پس از حدود یک دهه قرار است ایران و ایالات متحده آمریکا برای حل مشکلات میان دو کشور سر میز مذاکره بشینند. مهمترین موضوعی که در رسانه‌های داخلی مورد توجه قرار گرفته، مستقیم یا غیرمستقیم بودن گفت‌وگو است که گرچه از نظر سیاسی مهم به حساب می‌آید، اما از دیدگاه حقوقی اهمیتی ندارد. سیدعباس عراقچی، مذاکره‌کننده ارشد این دور از گفت‌وگوها که تجربه حضور در مذاکرات منتهی به برجام را در کارنامه‌اش دارد، در کتاب «قدرت مذاکره: اصول و قواعد مذاکرات سیاسی و دیپلماتیک» مذاکرات سیاسی را بر مبنای هدف به هفت نوع تقسیم می‌کند:

مذاکره برای همکاری، مذاکره برای حل اختلاف، مذاکره برای مدیریت اختلاف، مذاکره برای مقابله با فشارهای داخلی و خارجی، مذاکره برای پیشگیری، مذاکره برای میانجیگری و مذاکره برای مذاکره.

آنچه از زاویه دید حقوقی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، دستاورد نهایی است که می‌تواند بیابنه مشترک، موافقت‌نامه یا معاهده‌ای بین‌المللی باشد.

در حقوق بین‌الملل، نظام حقوقی داخلی کشورها با معاهدات بین‌المللی به دو گونه برخورد می‌کند: دسته اول کشورهایی هستند که امضای دیپلمات‌ها که نماینده دولت محسوب می‌شوند را برای اعتبار آن کافی می‌دانند، و دسته دوم اعتبار توافق را نیازمند تصویب در قوه مقننه می‌دانند که به نظام‌های حقوقی «دوگانه» مشهور هستند، کشور ما جزو گروه دوم شمرده می‌شود. پس از انقلاب مشروطه در اصل ۲۴ «قانون اساسی مشروطیت» این گونه پیش‌بینی شده بود: «بستن عهدنامه‌ها و مقاوله‌نامه‌ها، اعطای امتیازات (انحصاری) تجارتي، و صنعتی و فلاحتی و غیره اعم از اینکه طرف داخله باشد و خارجه، باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد، به استثنای عهدنامه‌هایی که استنار آن‌ها صلاح دولت و ملت باشد.» و در تکمیل این قاعده در اصل ۵۲ «متمم قانون اساسی مشروطیت» آمده بود: «عهدنامه‌هایی که مطابق اصل بیست‌وچهارم قانون اساسی مورخه چهاردهم ذیقعد یک‌هزار و سیصد و بیست و چهار استنار آن‌ها لازم باشد،

بررسی لایحه اخیر هیات دولت

کاهش ناترازی با تغییر ساعت؟



پریسا هاشمی

گزارشگر هم‌میهن

پس از گذراندن زمستانی سخت، پر از تعطیلات به دلیل ناترازی انرژی و عذرخواهی رئیس‌جمهور به‌بهار تابستانی سخت رسیده‌ایم. مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور که میراث‌دار ناترازی هاست قول داده که ظرف یکسال این ناترازی‌ها را رفع کند اما هر چه پیش می‌رویم شرایط ناگوارتر از پیش می‌شود. این در حالی است که امسال به‌عنوان «سرمایه‌گذاری در تولید» نامگذاری شده اما اینطور که ناترازی‌ها جولان می‌دهد واهمه از سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد، چراکه صنایع برای تامین برق خود با مشکل روبه‌رو هستند. تعطیلی‌ها هم از آن دست تصمیماتی است که نه‌تنها مشکل صنایع را رفع نکرده، بلکه ضررهای بسیار زیادی به کشور تحمیل کرده است.

▼ دولت تصمیم‌گیر تعیین ساعت رسمی

شاید به همین دلیل است که هیئت دولت در جلسه روز چهارشنبه خود تصمیم گرفتند لایحه دوفوریتی واگذاری اختیار تعیین ساعت رسمی کشور به دولت را تصویب کنند تا مدیریت مصرف انرژی را در فصل تابستان در دست بگیرند. در حقیقت اعضای دولت لایحه دوفوریتی واگذاری اختیار تعیین

پدر اتمی

دربارهٔ اکبر اعتماد اولین رئیس سازمان انرژی اتمی که از حقوق هسته‌ای ایران دفاع می‌کرد ولی نگران هزینه‌های سیاسی و اقتصادی آن هم بود



مهرداد خدیبر

معاون سردبیر

اکبر اعتماد که به «پدر فناوری هسته‌ای ایران» شهرت داشت و در رژیم پهلوی تا پیروزی انقلاب رئیس سازمان انرژی اتمی ایران بود دیروز در ۹۵ سالگی درگذشت: ۲۲ فروردین ۱۴۰۴. دو روز بعد از روز ملی فناوری هسته‌ای در ایران و یک روز پیش از مذاکرات امروز ایران و آمریکا در عمان که موضوع اصلی آن اهداف فعالیت‌های هسته‌ای ایران است.

اگر چه شهرت آقای اعتماد تنها به خاطر پایه‌گذاری و پیشینه این فعالیت بود اما بیشتر به این سبب هم بود که به‌رغم آنکه بعد از پیروزی انقلاب طبعاً دیگر در این جایگاه قرار نداشت و از ایران هم رفته بود از برنامه اتمی دفاع می‌کرد؛ هر چند نه به هر قیمت و این مهمترین تفاوت او با تدریج‌های داخلی بود. ساکن پاریس شده بود اما منعی برای بازگشت و رفت‌وآمد نداشت و گاهی به تهران می‌آمد و با رسانه‌های داخلی هم گفت‌وگو می‌کرد و به سبب آن که شخصیت علمی و ملی هم به حساب می‌آمد تکریم می‌شد.

در زمرهٔ مدیران ارشد دوران پهلوی به حساب می‌آمد که به خاطر جنس مدیریت انرژی اتمی مستقیماً با شخص شاه در ارتباط بود اما به موضوع پروندهٔ هسته‌ای در جمهوری اسلامی ایران به‌مثابه مقوله‌ای ملی می‌نگریست و آشکارا از آن دفاع و غرب را به سبب تقابل آن سرزنش و تقبیح می‌کرد و البته نه به بهای درگرفتن جنگ و استمرار تحریم‌ها و گفته بود دفاع از این حق به محرومیت و درگیری نمی‌ارزد، وقتی پای منافع ایران به میان می‌آمد از برخی رجال دیگر رژیم گذشته نیز چنین رفتاری سر زده بود اما هم کم‌شمار بودند و هم پیوسته نبود و مشخصاً اردشیر زاهدی وزیر خارجه و داماد سابق شاه و داریوش همایون وزیر اطلاعات (اطلاعات‌رسانی) وقتی صدای جنگ می‌آمد موضع می‌گرفتند.

درست ۱۲ سال قبل و در فروردین ۱۳۹۲ و در آغاز دور جدید تحریم‌ها علیه ایران به بهانهٔ فعالیت‌های هسته‌ای بود که نام اکبر اعتماد دوباره بر سر زبان‌ها افتاد وقتی با خبرنگار شبکه ۴ بی‌بی‌سی به گفت‌وگو نشست و تصریح کرد: «اگر شاه در قدرت باقی مانده بود، شاید او هم برای ساخت سلاح اتمی می‌کوشید.» حمایت او از ساخت سلاح هسته‌ای در حالی بود که چه در آن زمان و چه بعدتر مقامات ایران همواره بر صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای تأکید ورزیده‌اند. آنچه به سخنان او اهمیت می‌داد هم اطلاعات تاریخی بود و هم این که ریشهٔ ماجرا را به پیش از انقلاب می‌برد و از جمله دربارهٔ حمایت آمریکا از نخستین تلاش‌های ایران برای ساخت یک نیروگاه اتمی گفت: «آنها اول حمایت می‌کردند. اما کمی بعد خواستند نظرات خودشان را به ایران تحمیل کنند ولی من زیر بار نرفتم. ما چهار سال برای رسیدن به توافقی دوجانبه مذاکره کردیم و هرگز به‌نتیجه نرسیدیم.»

او در واقع از مطالبات آمریکا پرده برمی‌داشت درحالی‌که شاه متحد آنان بود و قاعدتاً نمی‌باید سوزن‌همی داشتند: «می‌گفتند اگر به ما راکتور یا سوخت بدهند، هر کاری که خواستیم با باقی مانده سوخت مصرف شده بکنیم باید با اجازهٔ آمریکایی‌ها باشد.»

از سخنان اعتماد برمی‌آید که در آن زمان بیشتر دنبال آن بودند که بتوانند برای کشورهای دیگر هم این الگو را به کار گیرند: «می‌گفتند با ایران مشکلی ندارند، اما می‌خواهند شرایط خودشان را در مورد ایران اعمال کنند تا بتوانند در مورد کشورهای دیگر هم آنها را اعمال کنند. گفتم من اینجا نیستم که مشکلات شما را حل کنم. این مشکل شمامست، مشکل من نیست.»

ساعت رسمی کشور به دولت را تصویب کردند. این تصمیم در پی بررسی‌های فنی و نیاز به مدیریت بهتر مصرف انرژی، به‌ویژه در فصل تابستان اتخاذ شده است. تصویب این لایحه به دولت امکان می‌دهد؛ متناسب با شرایط روز و نیازهای شبکه برق، تصمیمات لازم را برای تغییر رسمی کشور بگیرد. در صورت تصویب نهایی این لایحه در مجلس، دولت می‌تواند به‌طور مؤثرتر در مدیریت مصرف انرژی و کاهش فشار بر شبکه برق در ساعات اوج بار اقدام کند. تا پیش از مصوبه مجلس، هر ساله ۶ ماه اول سال ساعت رسمی یک‌ساعت عقب کشیده می‌شد، اما در دولت سیزدهم ساعت‌های کاری نامشخص بود و سردرگمی عجیبی را در جامعه به وجود آورده بود. برخی از ادارات و ارگان‌ها ساعت ۶ و برخی ساعت ۷ یا ۸ و بخش خصوصی تا ساعت ۹ سرکار می‌رفتند و هر شب منتظر اعلام دولت برای آنکه بتوانند برای زندگی خود برنامه‌ریزی کنند. مادران با مشکل روبه‌رو شده بودند چرا که باید ساعت ۶ سرکار می‌رفتند و تا ۷ و ۸ می‌هدکودک‌ها و مدارس باز نبودند و فرزندان شان سرگردان ساعات دولت شده بودند. اما حالا دولت تغییر ساعت را در دست گرفته تا خود تصمیم بگیرد و جامعه را به سمت و سوی درستی سوق دهد.

▼ صرفه‌جویی با تغییر ساعت رسمی کشور

مصطفی رجبی‌مشهدی، مدیرعامل توانیر پس از تصویب این لایحه تأکید کرد: «تغییر ساعت حدود یک درصد و یا بیشتر از آن در اوج بار شبانه تأثیرگذار است. مجلس در اواخر سال ۱۴۰۱ تصمیم گرفت اختیار دولت در زمینه

بخت اصلی البته درباره دیدگاه شاه در مورد ساخت بمب بود و فاش کرد چه در سر داشته است: «شاه عقیده داشت به اندازه کافی در منطقه قدرتمند است و می‌تواند از منافع ما در منطقه دفاع کند، بنابراین نیازی به بمب اتمی ندارد. اما به من گفت اگر این وضعیت تغییر کند، مجبور خواهیم بود برای ساخت بمب اتمی اقدام کنیم. بله! این نظر را داشت. در آن زمان مأموریت من این بود که همه تکنولوژی‌های ممکن در زمینه اتمی را به دست بیاورم. می‌گفتم شاید در آینده لازم شود.»

خبرنگار پرسید: یعنی وقتی شما مسئول برنامهٔ اتمی ایران بودید، این احتمال را در نظر داشتید و کسانی را مأمور تحقیق در مورد آن کرده بودید؟ اعتماد هم پاسخ داد: بله، دقیقاً.

مشخص نیست چرا دربارهٔ بعد از انقلاب از او پرسیده شد در حالی‌که مسئولیت نداشت اما گفته بود: «انقلابیون در ابتدا به همه چیز شک داشتند و نگران کارهای آمریکایی‌ها بودند. فکر می‌کردند تکنولوژی هسته‌ای یکی از تکنیک‌های آمریکایی‌ها نیست. اما بعداً متوجه شدند برنامهٔ اتمی یک برنامه موفق بوده باید ادامه پیدا کند و شروع کردند به ادامه دادن آن.» البته تمام ماجرا را نمی‌توان از عینک آقای اعتماد دید و باید به هشتاد دکتر فریدون سبحانی اولین رئیس سازمان انرژی اتمی بعد از انقلاب اشاره کرد که هنوز دولت موقت بر سر کار بود که از این مسئولیت کناره گرفت و در بیان علت آن نوشت وقتی آمریکایی‌ها به شاه اجازه ندادند و سنگ‌اندازی می‌کردند و مطالباتی داشتند به طریق اولی به ما اجازه نخواستند داد و جالب این که با عنوان معاون وزارت نیرو و رئیس سازمان انرژی اتمی ایران امضا کرده بود و سازمان بعداً از وزارت نیرو جدا شد و زیر نظر مستقیم نخست‌وزیر و بعدتر ریاست‌جمهوری ادامه داد.

پس از آن چند سال فعالیت‌های سازمان انرژی اتمی به محاق رفت و تنها درباره تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر و این که ژاپنی‌ها تمام می‌کنند یا زمینس آلمان و سرانجام روس‌ها خبری منتشر می‌شد.

این در حالی بود که از اواسط دهه ۶۰ عملاً از سر گرفته شده بود اما بی‌سروصدا و قریب ۲۰ سال به همین منوال پیش می‌رفت تا این که با زمزمهٔ حملهٔ آمریکا به عراق در سال ۱۳۸۱ مجاهدین خلق پناه گرفته در عراق که نگران سرنوشت خود در بی‌سقوط صدام حسین بودند برآن شدند توجه جرح بوش را از بغداد به جانب تهران معطوف کنند و بحث فعالیت‌های هسته‌ای ایران را بر سر زبان‌ها انداختند چون اتهام اصلی عراقی و توجیه آمریکا برای انگیزه حمله و خلع صدام تولید سلاح کشتار جمعی بود. ادعایی که نه با بازرسی‌ها توانستند ثابت کنند و نه حتی بعد از جنگ و ساقط کردن صدام حسین در فروردین ۱۳۸۲ و بعدتر وقتی از تونی بلر نخست‌وزیر بریتانیا پرسیده شد سرانجام توانستید سلاح کشتار جمعی پیدا کنید یا نه پاسخ داد: بله، خود صدام حسین بود که هر چند به لحاظ حقوقی مسموغ نبود ولی برای ایرانیان قربانی جنایات اوشیرین افتاد. درست شب ۲۲ بهمن ۱۳۸۱ رئیس‌جمهوری اصلاح‌طلب ایران که اعتبار بین‌المللی و محبوبیت داخلی داشت در جمع مدیران ارشد وزارت علوم به فعالیت‌های هسته‌ای ایران اشاره کرد تا بگوید آنچه مجاهدین خلق مدعی شده‌اند مخفیانه نبوده و اگر چه آمریکا از حمله به عراق منصرف نشد و صدام را برانداخت اما ایران از آن پس به دردمسافتاد: هر چند در همان دولت خاتمی و با هادایت حسن روحانی با توافق سعدآباد موقتاً از آن جستمیم و شاید اگر معجزهٔ هزارهٔ سوم ظهور نمی‌کرد که فعالیت هسته‌ای را در بوق و کرنا کرد همان مسیر ادامه می‌یافت اگر چه در پایان دولت خاتمی سیاست کلان‌نظام در قبال فعالیت هسته‌ای از اعتماد کامل به غرب فاصله گرفت و خاتمی تابسیاست آب‌سنگین اراک را اواخر دولت خود افتتاح کرد.